

# نسخه رهبر را برای بحران اقتصادی تئوریزه نکنید

احمد هدایتی

علی رضا حیدری دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار جمهوری اسلامی، درباره اشتغال در ایران مصاحبه ای با روزنامه کاروکارگر کرده که در شماره ۱۳۸۵/۵/۱۰ این روزنامه منتشر شده است. دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی در این مصاحبه و در دفاع از فرمان رهبر برای گسترش خصوصی سازی و نقض اصل ۴۴ قانون اساسی مدعی شده است که خصوصی سازی چاره بحران اشتغال در ایران است!

سؤال اینست که ۱۷ تا ۱۸ سال خصوصی سازی در جمهوری اسلامی چه دستاوردی داشته است که یک دفعه معجزه ای رخ داده خصوصی سازی می خواهد هم حفظ اشتغال موجود بکند و هم فعالیت های اقتصادی را گسترش دهد؟

صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر در سال ۸۲ این طور می گوید "در مدت ۶ تا ۷ سال پیش تا کنون حدود ۱۸۴۰۰۰۰ نفر (یک میلیون و هشت صد و چهل هزار) بر اثر خصوصی سازی کارشان را از دست داده اند و حدود ۲۰۰ هزار نفر در حال اخراج و همین تعداد مدت ها حقوق نگرفته اند."

کافی است روز نامه کار و کارگر ۱۰ سال پیش را مرور کنیم تا به صدها مورد اشاره به دستاورد های خصوصی سازی و معجزات آن بر خورد کنیم.

این در شرایطی است که علل بحران اقتصادی، تعطیلی کارخانه ها، اخراج کارگران، بیکاری، ناضی از عدم حمایت دولت از تولیدات صنعتی و کشاورزی، حمایت از واردات رسمی (به ویژه واردات مواد مصرفی نه کالا های سرمایه ای)، قاچاق و قاچاق پنهان، عدم مدیریت اصولی و علمی بخش دولتی و مدیریت غارتگرانه بخش خصوصی (عمدتاً)، غارتگری بخش خصوصی (به خصوص بخش خصوصی ضد ملی، سرمایه داری دلال و تجاری و به قول محبوب دبیرخانه کارگر سرمایه داری حجره ای و سنتی) از مهمترین علل مشکلات اقتصادی برای اکثریت جامعه (جوانان، کارگران، کشاورزان، طبقات پائین جامعه) است.

اصولاً مدیریت بر دو نوع است یکی مدیریتی که هدفش منافع کل جامعه و منافع ملی و دیگری هم و غمش منافع فردی و شخصی می باشد.

خانم رایس، ولفویترز (رئیس بانک جهانی)، بلر، شهرام جزایری عرب، عسگر اولادی، خاموشی و اعضای اتاق بازرگانی ایران هم از مدیران برجسته اند ولی از کدام نوع مدیریت دو گانه فوق؟ بر عکس، عده زیاد از شخصیت های تاریخی و کنونی جهان وجود دارند که بعد از مرگشان شهرداری کفن و دفن شان را به عهده گرفته و می گیرد، چرا؟ برای اینکه بجای منافع شخصی به فکر منافع ملی و جامعه بودند.

یکی از شگردهای مزورانه طرفداران بخش خصوصی ضد ملی نفوذ در بخش دولتی و خرابکاری در کارخانه ها و بنگاه های دولتی و تبدیل آنها به مدیریت منطبق با منافع بخش خصوصی و ضرر ده و همراه با آن نفوذ در مراکز دولتی به ویژه بخش بازرگانی خارجی و داخلی و دامن زدن به واردات رسمی و قاچاق و قاچاق پنهان است، که در نهایت باعث عدم فروش کالاهای تولیدی، ماندن کالا روی دستشان، عدم تامین هزینه بنگاه ها، عدم امکان پرداخت حقوق کارگران و کارکنان در آخر تعطیلی بنگاه و نابودی تولیدات و بحران اقتصادی و در نهایت، رسیدن به این نتیجه است که دولت و بخش دولتی دارای مدیریت بی

کفایتی است. ( قاچاق سالانه ۶ میلیارد دلار کالا در کشور، هر سال ۸۵۰ هزار شاغل ایرانی، بیکار می شوند، کار و کارگر ۸۵/۵/۱۰ صفحه ۴. )، ( البته قاچاق و قاچاق پنهان بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار است. نگارنده)

در پی توجیه این بحران، دیواری کوتاه تر از دیوار ملت و بخش دولتی نیافتند و حالا حاصل کار و زحمت چند نسل مردم ایران را به ثمن بخش به غارتگران بخش خصوصی می دهند تا بهشت موعود را درست کند، کارخانه رابا شگرد های مختلف به بحران بکشند، ماشین آلتش را بفروشند، کارگزارش را اخراج کنند و زمین هایش را به ساختمان سازی و شهرک سازی تبدیل کنند.

سؤال: همان مدیران نفوذی دوران خصوصی سازی در بخش دولتی حالا قرار است بشوند مدیران بر جسته بخش خصوصی!

ولفویتز، تا وقتی معاون رامسفلد وزیر دفاع امریکا بود صهیونیسم بود و استکبار بود و حالا از وقتی که رئیس بانک جهانی شده نسخه پیچیده شده اش برای خصوصی سازی لجام گسیخته در ایران و واگذاری صنایع ملی به فرماندهان سپاه و بسیج یک شبه تبدیل شده است به نوشداروی بحران اقتصادی در ایران!

تسلط بخش خصوصی بر بخش دولتی و پیاده کردن لیبرالیسم و نئولیبرالیسم در ایران همان سرمایه داری از نوع امریکایی اش نیست؟

بر اساس نظر سنجی وزارت ارشاد، ۸۰ درصد مردم با خصوصی سازی صنایع، بانک ها و آموزش مخالفند، (کار و کارگر ۱۳۸۳/۵/۲۸ اصغر قاسمی) فرمان رهبر برای نقض اصل ۴۴ قانون اساسی همان فاجعه ای نیست که یک تن (رهبر) در مقابل مخالفت مردم می ایستد؟ اگر خصوصی سازی حلال مشکلات اقتصادی است، چرا در غرب سرمایه داری این اکسیر، علیرغم همه غارتی که این سرمایه داری در دیگر نقاط جهان می کند، در داخل کشورهای غربی بحران اقتصادی، بیکاری و دهها معضل اجتماعی را درمان که نکرده هیچ، تشدید نیز کرده است؟

- ۱۰۰۰ میلیون نفر گرسنه در جهان.
- ۲۴۰ تا ۳۰۰ میلیون بیکار در جهان از جمله ۲۰ میلیون بیکار در اتحادیه اروپا.
- میلیون ها کودک کار.
- ۲ تا ۳ میلیون زنان خیابانی.
- انباشت گاز های گلخانه ای و نابودی ۲۹ میلیون کیلو متر مربع از لایه ازن.
- جنگ در عراق، افغانستان، سومالی، سودان، سریلانکا، فلسطین، لبنان، کلمبیا، و ... از جمله در قاره افریقا اگر بحران نیست، پس نامش چیست؟